

وَمَا كُنَّا بِمَلَكٍ لَّا يَلْمُوكَ

ترجمہ و التذکرہ از مصنفات جناب امارت و ریاست آب نصائل
کلمات کتاب صاحب القوۃ القدرتہ مالک الملکات الملکیہ
الغائب سید مظفر حسین خان صاحب بہادر لغزادہ



نواب مستطاب گردون قباب نواب معتدل الدن و لہجہ
وزیر عظمیٰ شاہ اور دھکر ازیات قات اولاد و اخفا داد نشان مستند
ادامہ اللہ اقبالہ و ظلالہ العالی بد و اولادہم الامین

مطبعہ انیسان کابو و مطبعہ

صَوْنًا لِكِتَابِ رِيسَالَةِ الْحَقِّ فِي الْإِيمَانِ وَالْإِسْلَامِ

الْمَجْمُوعَةُ الْعِلْمِيَّةُ وَالْمَدْرَسَةُ الْعِلْمِيَّةُ فِي بَغْدَادِ

وَأَعْلَى كُتُبِ الْإِسْلَامِ وَالْحَقِّ وَالْحَقِيقَةِ

الْعِلْمِ وَالْحَقِّ وَالْحَقِيقَةِ وَالْحَقِيقَةِ

الْحَقِّ وَالْحَقِيقَةِ وَالْحَقِيقَةِ وَالْحَقِيقَةِ

وَالْحَقِّ وَالْحَقِيقَةِ وَالْحَقِيقَةِ وَالْحَقِيقَةِ

الْحَقِّ وَالْحَقِيقَةِ وَالْحَقِيقَةِ وَالْحَقِيقَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حَامِدًا وَمُصَلِّيًا وَمُسَلِّمًا - آيُنْ كَاتِبِ انْبِقِ وَمَوْلَانِ شَيْقِ

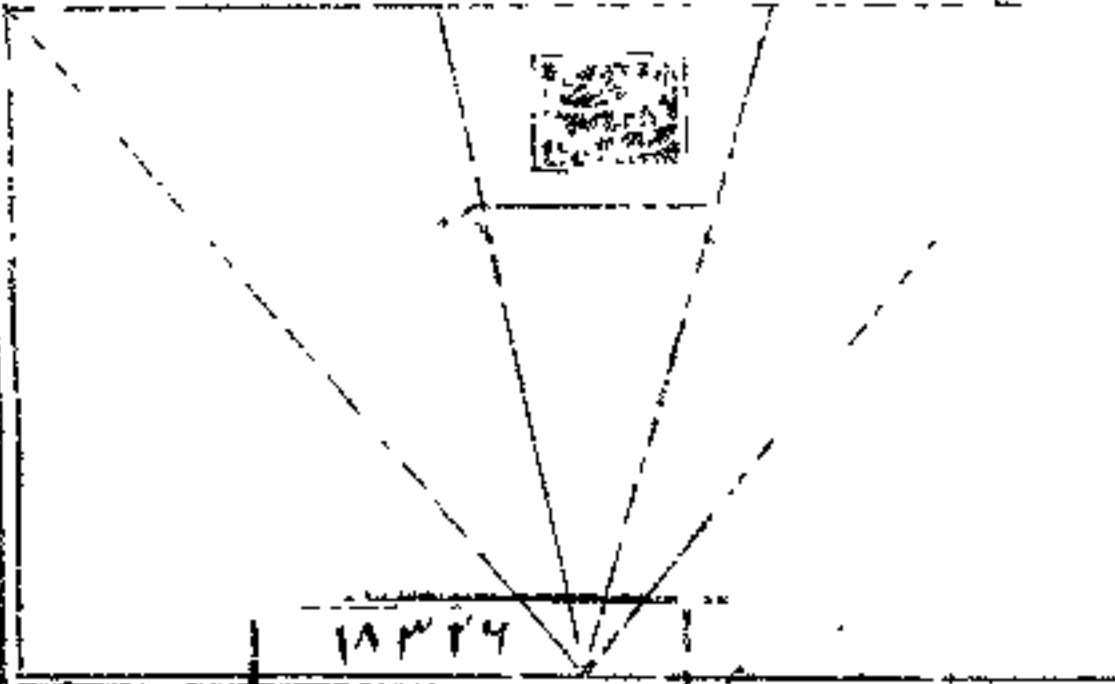
موسوم یا وساد المؤمنین وظائف المتقین

که مشتمل است بر مضامین هدایت آگین و بر اکثر احکام شرعی
و مسائل فقهیه و تعقیبات سدیده و ادعیه و اذکار مفیده
و مرتب است بر چهار مجلدات موافق عهد و اربعه
تسبیحات - کتابی است و پذیرد بے مثل و بی نظیر
که زیست مشحون از جواب پندیده آیداریا عینی است
منبع انهار النوار و چگونه چنین نباشد و ما الکافی تصنیف
نموده است آنرا ثواب عظمت مآب جلالت انساب گوید
صدف کرامت و ایالت قطب فلک امارت و ریاست
تابیع مناہج فصاحت سالک مسالک بلاغت ذوق
الطبیع الثاقب و الراس الصائب الکامع فی حیاض
العلوم الدینیہ و الرائق فی ریاض الامور کامرانیست
حاوی اخلاق کریمه سدیده مستجمع مناقب حبیب
توابع مستطاب محلی القاب سبیل
مظفر حسین خان صاحب
بهادر زاوالتدراقباله و ضاعف اجلاله
مخفف این کتاب منیف را - از آغاز تا انجامش

اجمالاً و مسائل فقہیہ مندرجہ آنرا تفصیلاً دیدیم و از او را ک
 مضامین نافعہ مفیدہ آن خیلی محبوب و مسرور گردیدیم
 فجزاکم اللہ عنا وعن سائر المؤمنین جل جلالہ المصلحین
 المحسنین و چراگاہ بظالم مسائل و احکام فقہیہ آن تنگ
 بستم و تدبیرش استوار ختم چندی را موقوف بر اسم
 خانی و انسی پادشاه شد اما طریقتاً ساکت
 پس عمل بر آنها سالی و جائز خواہد بود انشاء اللہ
 تراخیر و شوقاً ان الحمد للہ رب العالمین و هو
 خیر موقوف و تعیین

تتم

نام و نشانی صاحب این کتاب در این کتاب است



فهرست جلد دوم

فصل ششم در بیان اعمال شب پنجشنبه و روز آن +	۸۴	باب چهارم	۵
فصل هفتم در بیان اعمال شب جمعه و روز آن +	۱۰۵	فصل اول - در بیان اعمال شب شنبه و روز آن	۵
		فصل دوم در بیان اعمال شب یکشنبه و روز آن +	۲۲
		فصل سوم در بیان اعمال شب دوشنبه و روز آن	۳۸
باب پنجم	۲۵۴	فصل چهارم در بیان اعمال شب سه شنبه و روز آن +	۵۴
فصل اول در بیان تحقیق رویت پلای اعراب + آن	۲۶۰	فصل پنجم در بیان اعمال شب چهارشنبه و روز آن +	۷۸
و نماز ماه نو +	۲۶۰		
و دانستن غسسه هر ماه	۲۶۲		
و شناختن قسور در غمرب	۳۶۶		

صفحہ	باب ششم	صفحہ
۲۶۷	۴۰۳	۲۶۷
۲۶۸	۴۰۴	۲۶۸
۲۶۹	۴۰۵	۲۶۹
۲۷۰	۴۰۶	۲۷۰
۲۷۱	۴۰۷	۲۷۱
۲۷۲	۴۰۸	۲۷۲
۲۷۳	۴۰۹	۲۷۳
۲۷۴	۴۱۰	۲۷۴
۲۷۵	۴۱۱	۲۷۵
۲۷۶	۴۱۲	۲۷۶
۲۷۷	۴۱۳	۲۷۷
۲۷۸	۴۱۴	۲۷۸
۲۷۹	۴۱۵	۲۷۹
۲۸۰	۴۱۶	۲۸۰
۲۸۱	۴۱۷	۲۸۱
۲۸۲	۴۱۸	۲۸۲
۲۸۳	۴۱۹	۲۸۳
۲۸۴	۴۲۰	۲۸۴
۲۸۵	۴۲۱	۲۸۵
	۴۲۲	
	۴۲۳	
	۴۲۴	
	۴۲۵	
	۴۲۶	
	۴۲۷	
	۴۲۸	
	۴۲۹	
	۴۳۰	
	۴۳۱	
	۴۳۲	
	۴۳۳	
	۴۳۴	
	۴۳۵	
	۴۳۶	
	۴۳۷	
	۴۳۸	
	۴۳۹	
	۴۴۰	

اعمال لیالی ماه صیام	۴۰۹		سنه
اعمال شبهای قدر	۴۲۷	اعمال شبهای ماه شعبان	۴۹۰
اعمال هر روزه ماه صیام	۴۶۰	اعمال شب پانزدهم شعبان	۵۰۰
ادعیه سی روز ماه صیام	۴۵۳	اعمال شترکه در میان روز شب	۵۱۹
اعمال خجسته ماه صیام	۷۰۳	شعبان	
فصل چها سراه	۷۱۶	اعمال روزهای شعبان	۵۲۰
در احکام کسوف و خسوف		فصل سولید در بیان	۵۲۱
ماه شوال		کسوف و خسوف ماه مبارک	
وجه تسمیه ماه شوال		رمضان	
رویت هلال ماه شوال و غیره	۷۱۷	فضائل ماه رمضان	
اعمال شب عید فطر	۷۱۹	علت و غایت صوم	۵۳۱
اعمال روز عید فطر	۷۲۶	حقیقت صوم	۵۳۳
در بیان مطلق زکوة	۷۳۲	مسائل صوم	۵۳۴
در بیان خمس	۷۳۷	آداب ماه رمضان	۵۳۵
کیفیت نماز عید	۷۳۹	وجه تسمیه ماه رمضان	
فصل پنجم در احکام	۷۶۲	ادعیه رویت هلال و غیره	۵۳۶
کسوف و خسوف ماه ذیقعد		اعمال ماه صیام	۵۳۷

صفحہ	۹۳۰	یعنی نسبت و چہارم ذبیحہ
۷۶۲		ماہ آخراہ +
۷۶۵	۹۳۶	در بیان ارکان و احکام و اعمال حج +
		وغیرہ -
۷۶۷	۹۹۹	فصل ہفتہ در اعمال
۷۷۱		محرم الحرام +
		احکام کسوف و خسوف
		ماہ محرم الحرام +
		احکام عشرہ محرم الحرام
۷۷۲		وجہ تسمیہ ماہ ذبیحہ +
۷۷۵		دعا کے رویت ہلال بچہ وغیرہ
۷۷۸	۱۰۱۱	وجہ تسمیہ محرم الحرام
۷۸۷	۱۰۱۲	دعا کے رویت ہلال محرم الحرام
۸۸۸		الحرام وغیرہ
۸۸۹	۱۰۱۳	اعمال روز و شبہا کے عشرہ
۸۹۶		محرم الحرام -
۹۰۲	۱۰۱۵	اعمال عاشورا -
	۱۰۴۰	فصل ہشتم در
		پہچدہم ذبیحہ یعنی روز عید غدیر
۹۲۸		فضیلت و اعمال روز مبارک

فصل نہم در اعمال	۱۱۰۲	سفر	۱۰۶۰
ماہ ربیع الثانی وغیرہ۔		کسوف و خسوف ماہ صفر۔	۱۰۶۰
کسوف و خسوف ماہ ربیع الثانی	۱۱۰۳	وجہ تسمیہ صفر المنظر۔	۱۰۶۱
وجہ تسمیہ ربیع الثانی۔		دعا وقت رویت ہلال صفر۔	۱۰۶۲
اعمال ربیع الثانی	۱۱۰۴	زیارت اربعین۔	۱۰۶۳
فصل یازدہم	۱۱۰۵	ظلم و دعا براے حفظ کہ در ۱۱	۱۰۶۴
در اعمال ماہ جمادی الاول		آخر چہار شنبہ ماہ نوشتہ بدین	۱۰۶۵
وغیرہ۔		فصل نہم در اعمال	۱۰۶۵
کسوف و خسوف ماہ	۱۱۰۶	ماہ ربیع الاول۔	۱۰۶۶
جمادی الاولے۔		کسوف و خسوف ربیع الاول	۱۰۶۷
وجہ تسمیہ جمادے الاولی	۱۱۰۷	وجہ تسمیہ ربیع الاول۔	۱۰۶۸
دعاے رویت ہلال ماہ	۱۱۰۸	مطلق ادعیہ اہلہ کہ سابقا	۱۰۶۹
جمادی الاولی مطلق ادعیہ		مذکور شدند بخوانند و اشیا	
اہلہ مستند کہ سابقا مذکور		وقت رویت ہلال ربیع الاول	
شدند۔		اعمال ماہ ربیع الاول	
اعمال جمادی الاولے۔	۱۱۰۹	اعمال ہفتہ ہم ماہ	۱۰۷۰
فصل دوازدہم	۱۱۱۰	ربیع الاول۔	۱۰۷۱

۱۱۱۲	در اعمال ماہ جمادی الثانیہ وغیرہ	۱۱۳۸	قطع ثوب
—	کسوت و خسوت جمادی الثانیہ	۱۱۳۹	جامہ نو پوسٹیدن +
۱۱۲۶	وجہ فشمیہ جمادی الثانیہ	۱۱۴۰	نصد و حجامت -
—	دعا کے رویت ہلال وغیرہ	۱۱۴۱	فی تعلیم الاطفال فی دار الحدیث
۱۱۲۷	اعمال ماہ جمادی الثانیہ	۱۱۴۲	در بیان طلق الراح -
۱۱۳۱	فصل سیزدہم	—	در بیان ایام سفر و محسوس
—	در تاریخائے سعد و نحس	۱۱۴۳	جدول تواریخ سعد و نحس
—	ہر ماہ و قطع ثوب و ولادت	۱۱۴۵	جدول ولادت و وفات
—	و شہادت ہر معصوم و	—	و مدت اعمار و شہور و وفات
—	مدت عمر و عدد اولاد و	—	و عدد ازواج و اولاد و غیرہ
—	ازواج اوشان و جائزہ	—	ہر و وصفہ
—	پوشیدن و نصد و حجامت	۱۱۴۷	فصل چہارم
—	و تعلیم الاطفال فی و شارب	—	و اعمال روز نوروز -
—	گرفتن و ستر استیدن	—	
—	و ایام سفر -	—	
—	تاریخائے سعد و نحس	—	
—	ہر ماہ -	—	

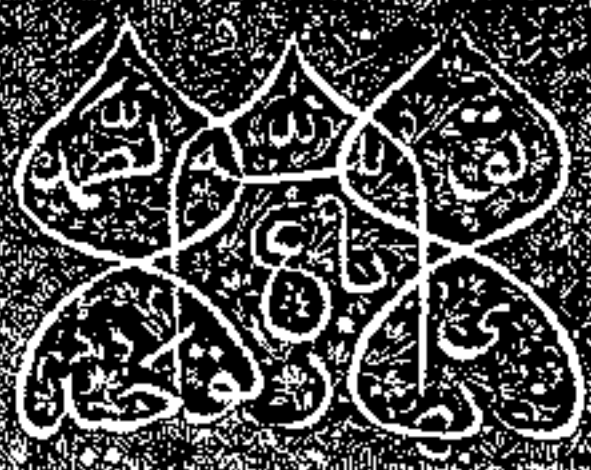
تتمت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



يَا مَنْ شَكَرُهُ قُورٌ لِلشَّاكِرِينَ + يَا مَنْ حَمَدُهُ عِزٌّ لِلْحَامِدِينَ
 أَحْمَدُكَ يَا خَالِقَ اللُّوْحِ وَالْقَلَمِ + وَأَشْكُرُكَ يَا مَنْ خَلَقَ
 الْأَشْيَاءَ مِنَ الْعَدَمِ + وَالصَّلَاةَ عَلَى سَيِّدِ الْعَرَبِ
 وَالْعَجَمِ + وَ عَلَى أَيْمَتِهِ الْأَوْسِيِّينَ + يَا تَوَاتُرَ التَّوَاتُؤِ
 مَا دَامَتِ النَّهْرُ وَاللَّيَالِي أَمَا بَعْدُ يَا كَوِيْدَ عَبْدِ عَاصِمِ
 غَرِيقِ بَحْرِ مَعَاصِمِ سَيِّدِ مَظْفَرِ حَسِيْنِ صِيْنِ عَنِ كُلِّ
 شَيْءٍ كَيْدِ بَدْرِ ثَمَانِي اسْتِ از كِتَابِ اَوْرَادِ الْمُؤْمِنِيْنَ
 وَوِظَائِفِ الْمُتَّقِيْنَ وَشَمْلِ اسْتِ بِرْشَهْ بَابِ بَابِ
 بِيْجِهَارِ دَرْيَانِ اَيَّامِ سَعْدِ وَنَحْسِ وَاوَعِيْمِ وَسَائِرِ اَعْمَالِ الْبَالِيْغِ اَيَّامِ





درین باب هفت فصل است فصل اول در بیان اعمال شب
 شنبه و روز آن فصل دو در بیان اعمال شب یکشنبه و
 روز آن فصل سوم در بیان اعمال شب دوشنبه و روز
 آن فصل چهارم در بیان اعمال شب سه شنبه و روز آن
 فصل پنجم در بیان اعمال شب چهارشنبه و روز آن فصل
 ششم در بیان اعمال شب پنجشنبه و روز آن فصل هفتم
 در بیان اعمال شب جمعه و روز آن باب پنجم در بیان اعمال
 بر ماه و درین باب سه فصل است فصل اول در بیان رویت
 طالع و درین باب هفت فصل است فصل اول در بیان رویت

و طریقہ معرفت موضع شمس و قمر فصل دو در بیان ثواب روزه
 داشتن بعضی از ایام مخصوصه در ہر ماہ و بدل آن و عمل ایام بیعت ہر
 ہر ماہ و ثواب قرأت بعضی از سوره ہائے قرآنی و ثواب زیارت
 حضرت امام حسین علیہ الصلوٰۃ والسلام در ہر ماہ فصل سوم
 در بیان دعوات ایام ہا کہ بعد و خمس آن و دعا ہا از برائے دفع سخت
 ایام باب ششم در اعمال سال و ورین باب چہارم فصل
 است فصل اول در ماہ رب فصل دو در ماہ شعبان
 فصل سوم در ماہ رمضان فصل چہارم در اعمال
 ماہ شوال و در آن باب زکوٰۃ فطر و مطلق زکوٰۃ و خمس ہم مندرج است
 فصل پنجم در اعمال ماہ ذیقعدہ فصل ششم در اعمال
 ماہ ذی الحجۃ الحرام مع اعمال حج فصل ہفتم در اعمال ماہ محرم الحرام فصل
 ہشتم در اعمال ماہ صفر المظفر فصل نهم در اعمال ماہ ربیع الاول
 دو انتن خمرہ ہر ماہ فصل دہم در اعمال ماہ ربیع الآخر فصل
 یازدہم در اعمال ماہ جمادی الاول فصل دوازدهم
 در اعمال ماہ جمادی الآخری فصل سیزدہم در ماہ رجبائے
 سعد و خمس ہر ماہ و قطع ثوب و فصد و حجامت و اختیارات ایام ہر
 سفر و تقییم الاطافیر و اخذ شارب و طلق راس و جاریہ نولوشیدن فصل

و جدول الامور و شہادت و عدت و عورت و اولاد و انوار و احوال

باب چهارم

در بیان ایام سعد و نحس و نماز و اوجیه و سایر اعمال
بیالی و ایام هفته و درین باب هفت فصل است

فصل اول در بیان شب شنبه و روز آن بد آنکه روز شنبه
عرب بشیاری گویند و بعضی سبت و شیار تعلق بر صل دارد و عید
یهودان است و در حدیث وارد شده است که سبت
نام حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سلم است و یهودان
لنعم الله می گویند که چون حق تعالی از آفرینش آسمانها و زمینها
فارغ شد از روز و شب شنبه بود به پشت خوابید و پابر روی پاکد است
تا از کوفت بر آید قاتلکم الله انی یوقلون و حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که خدا مبارک گردانیده
است بر اسم امت من با بداد روز شنبه و پیشینه را و برای جمیع
کارها خوب است خصوصاً سفر کردن و در حدیث دیگر
معتبر وارد شده است که اگر سنگی از کوه دور گردد در روز شنبه

باب چهارم در بیان ایام سعد و نحس

این شب شنبه
بین و شیاری
عید یهودان
نام حضرت
رسالت پناه
صلی الله علیه
و آله و سلم
است و یهودان
لنعم الله می
گویند که چون
حق تعالی از
آفرینش آسمانها
و زمینها
فارغ شد از
روز و شب
شنبه بود به
پشت خوابید
و پابر روی
پاکد است تا
از کوفت بر
آید قاتلکم
الله انی یوقلون
و حضرت رسالت
پناه صلی الله
علیه و آله و سلم
فرمود که خدا
مبارک گردانیده
است بر اسم
امت من با بداد
روز شنبه و
پیشینه را و
برای جمیع کارها
خوب است خصوصاً
سفر کردن و در
حدیث دیگر معتبر
وارد شده است
که اگر سنگی از
کوه دور گردد
در روز شنبه

حق تعالی آن سنگ را بجای خود برگرداند و برایتی روز شهادت
 امام حسین علیه السلام است و قوس از صیادان بنی اسرائیل که
 درین روز ماهی میگرفتند بصورت میمون شدند و از براسے
 ناخن و شارب گرفتن خوب است و نهی وارد شده است از نیکه
 شنبه را ملعون گویند چنانچه در میان عوام الناس و جهال متعارف
 است و در حدیث معتبر وارد شده است جواز لعن اصحاب السبت
 که مراد یهود باشند و هر که ناخن و شارب بگیرد در روز شنبه و شنبه
 از درد دندان و چشم عافیت یابد که در اختیارات مجلسی
 سندش مذکور نیست و در کشف الاخطار شمس الدین ابن محمد ^{مجلسی}
 و ابن بابویه در خصال این حدیث را از رسول خدا آورده که
 حسن طبرستکی در کلام الاخلاق از آن حضرت مر آورده که هر که
 از شما خواهد که حجامت کند باید که در روز شنبه بکند و منقول است
 که حجامت کردن در روز شنبه موثر صغف است و عمل زراعت
 خوب است و صاحب کشف الاخطار آورده که مکروه است
 حجامت کردن در روز چهارشنبه و شنبه از براسے اینکه موثر
 برص میشود مگر اینکه خون غلبه کند پس حجامت کند هر روز که خواهد
 و قولی هست که تو بریدن و تو پویشیدن و سر تراشیدن و ناخن

گرفتن در شب یکشنبه و سه شنبه خوب نیست و آنچه میگوید که در شب از نماز
 گرفتن آنگاه در اصلاح می افتد اصل ندارد ملاحظه کن کاشانی در تقویم
 المحسنین از جناب امیر آورده که در شب از نماز گرفتن آنگاه در اصلاح
 می افتد و ابوالحاجان را حق تعالی درین روز آفریده است ملاحظه کن
 کاشانی در تقویم المحسنین از رسول خدام آورده که هر کس قطع نوب نماید
 در روز شبه مریض خواهد ماند و امیکه نوب در بدن او باشد تا اینکه آن
 نوب را بر کس بدید کلینی در کافی از حضرت امام جعفر صادق آورده
 که هر که ترک کند غذا سه شب شبه و یکشنبه را پیهم سیر و از زوقی که برگردد
 بسوی او در چهل روز آبت با بویه در کتاب من لایحضره از حضرت
 صادق آورده که در روز جمعه سعی حاجت مکن و در روز شبه و قتیکه آفتاب
 طلوع نماید پس بر و براسه حاجت خود و ایضا در کتاب مذکور از
 حضرت علیه السلام منقول است که روز جمعه براسه گذاردن نماز
 است و شبه برای رفتن کارها و نیکو فرموده در کتاب مذکور که روز شبه
 براسه است و روز یکشنبه براسه بنی امیه ابن بابویه در حلال
 از حضرت امیر المؤمنین نقل کرده که روز شبه روز مکر و فریب
 است و نیکو در کتاب مذکور از جناب صادق آورده که سبت برای
 است و یکشنبه برای شیعه است لی آخر حدیث حضرت استغاب العارفین

در ساعات ایام نخستین شعر از علی ابن ابی طالب نقل کرده

<p>لَعْرَسِي لَعُوْدِي يَصَلُّكُمْ وَالْبِنَاءِ وَالْبَرَكَاتِ يُعْرَفُ وَالرِّجَالِ فَذَلِكَ يَوْمٌ لَا هَرَقَ الدِّمَاءِ فَنِعْمَ الْيَوْمُ يَوْمٌ لَا كِرْبَاءِ لَا ذَرْبَ الْفَوَائِدِ الْغِنَاءِ وَلَذَاتُ الرِّجَالِ مَعَ النِّسَاءِ وَقِيَّتْ مِنَ الْمَكَارِهِ وَالْعَنَاءِ بِئْسَ آوَدٌ حَتَّى الْإِنْبِيَاءِ</p>	<p>أَرَعَا أَحَدًا لِمُبَارَكِ يَوْمٍ سَعْدٍ وَفِي الْأَشْيَاءِ لِلتَّغْلِيظِ مَسْرَعٍ وَلَا نُرْمَتْ لِحَامَةٌ فِي النَّسَاءِ وَلَا نَأْتِيَتْ أَنْ تَسْفِي دَوَاءَ وَفِي يَوْمِ الْخَمِيْسِ طَلَبُ الرِّقِ وَيَوْمَ الْجُمُعَةِ التَّزْوِيْجُ فِيهِ وَيَوْمَ السَّبْتِ نَسَأَتْ فِيهِ وَهَذَا الْعِلْمُ لَا يَمْلِكُهُ إِلَّا</p>
--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

در دیوان منسوب بنجاب امیر اختیارات ایام سبع

باین طرز است می فرماید

<p>لِصَيْدِي إِنْ أَرَدْتِ بِلَا مَتَلَبٍ كَأَبِي كَنْدَمَنْ دَلَّتْ عَرْمُ شَكَارِ بِأَجْرِي فَطَلَبُ هِنْدِ مَرَاتِ كَبَارِ تَبَدَّ اللَّهُ فِي خَلْقِ السَّمَاءِ بِرَّكَ كَنْعِي عَارِسِي تُوْ بِنَاءِ تَأْمِيْشِي كَنْعِي بِنَابِرِي خَرْمِ وَشَاءِ</p>	<p>لِنِعْمِ الْيَوْمِ يَوْمِ السَّبْتِ حَقًّا أَسْ نَحْتُ تُوْ بِنَمْدِ أَقْبَالِ سَوَارِ بِأَيُّكَ شُوْدِي رُوْزِ شَنْبِي أَنْ كَارِ وَفِي أَحَدِ الْبِنَاءِ لِأَنَّ فِيهِ أَسْ أَرْتُوْ بِي سَمْنَلِ وَمَسْكِنِ أَبَادِ تُرْبِيْ بِنَابِرِي رُوْزِ كَبْشَنْبِي كَبِنِ</p>
---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

وَفِي الْاَثْنَيْنِ اِنْ سَافَرْتَ فِيهِ

ای یانته از مردم درویش نظر

آغاز سفر اگر درین روز کنی

وَمَنْ يُرِدِ الْحَجَّامَةَ فِي الثَّلَاثَا

اے آنکه از اسرار حکم آگاه

شرط است که در روز شنبه باشد

وَإِنْ شَرِبَ مِنْهُ يَوْمَ مَا دَوَّاعٌ

گر فکر تو با قضا مشابره باشد

از بهر علاج گر حوزی داروی

وَفِي يَوْمِ الْخَمِيْسِ قَضَاءُ حَاجِرٍ

در یوم خمیس باشد باید بود

از ابل کرم مہم خود باید ساخت

وَفِي الْجُمُعَاتِ تَزْوِيجٌ وَعَرْسٌ

اے آنکه ترا نام کو مطلوب است

آدینہ برے کنڈالی نیک است

وَهَذَا الْعِلْمُ كَمَا يَعْلَمُهُ سِوَاكَ

این علم نہ از وہم و خیال است و چون

سَتَطْفُرُ بِالْحَجْرِ وَبِالْحَرَاءِ

باید کہ روی روز دوشنبه بسفر

یا بے زخدا سعادت فتح و ظفر

فَفِي سَاعَاتِهَا هَرَقُوا الدَّمَاءَ

ہر وقت کہ فصد یا حجامت خوری

تا چہرہ گل رنگ نگر دو کا ہی

فَنِعْمَ الْيَوْمُ لِيَوْمِ الْاَكْرَبَاءِ

ہر روز کنی آنچه ترا بہر باشد

باید کہ بروز چار شنبه باشد

فَقِيهِ اللهُ يَا ذَكَرَ اللهُ

وز جیلہ و تدبیر حسب باید بود

پیوستہ با خلاص و دعا باید بود

وَلَذَاتُ الرِّجَالِ مَعَ النِّسَاءِ

پیش تو خلاف شرع و دین معیوب

جمعیت مرد وزن در و پر خوب است

بِئْسَ اَدْوِيَةٌ اَلَا نَبِيَاءُ

تا ہم کنڈ حکیم از روی تو اس

این علم محققان عالی قدر است | زنهار بکوش و قدر ایشان بشناس

اما نمازهای شب شنبه پس شیخ طوسی رح در کتاب مصباح متحد
 از حضرت رسالت نپاه آورده که هر که بگذارد در شب شنبه
 چهار رکعت نماز بخواند در هر رکعت الحمد یک مرتبه و آیه
 الْكُنُزِ سِتِي سَهْ مَرْتَبَةً وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ یک مرتبه و بعد از
 سلام آیه الْكُرْسِيِّ را سه مرتبه بخواند پیامرزد خدا کے تعالی
 اور او پدرو ماوراء ورا خواهد بود از شفاعت کرده شدگان محبت
 سید بن طاووس در کتاب جمال الاسبوع از آنحضرت
 آورده که هر که بگذارد در شب شنبه و در رکعت نماز بخواند در رکعت
 اَوَّلُ فَاتِحَةِ الْكِتَابِ یک مرتبه و لَنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ سه مرتبه
 و در رکعت دوم فَاتِحَةَ الْكِتَابِ یک مرتبه و لَنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ سه مرتبه
 مرتبه و چون از نماز فارغ شود استغفار کند صد مرتبه و صلوات بفرستد ببری
 و آل او صد مرتبه برنجیزد از جائے خود تا آنکه پیامرزد او را خدا کے تعالی
 و نیز در کتاب مذکور از آن حضرت ص آورده که هر که بگذارد در شب
 شنبه هشت رکعت نماز بخواند در هر رکعت فَاتِحَةَ الْكِتَابِ و سورۃ
 الْكُورِثِيِّ مَرْتَبَةً وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ هفت مرتبه و چون نماز فارغ شود استغفار
 کند هفتاد مرتبه خواهد بود مثل کسیکه حج کرده باشد و گو یا خریده باشد نقیاد

کس را از مشرکین و آزاد کرده باشد آنها را و آمرزیده شود از براسه او گناهان
 او اگر چه باشد مثل کف دریا و ریگ بیابان علاج و بعد و قطره های باران
 و برگ درختان و بگذرد بر صراط مثل برق درختان و داخل شود در
 بهشت بغیر حساب و نیز در کتاب مذکور از آنحضرت م آورده که هر که
 بگذارد در شب چهار رکعت نماز بخواند در هر رکعتی الحمد یک مرتبه و قل
 هو الله احد هفت مرتبه بنویسد خدا سے نعالے از براسه او بهر کتبی
 هفت صد حسنه و عطا کند او را شهر بار در بهشت و نیز در کتاب
 مذکور از آنحضرت م آورده که هر که بگذارد در شب شنبه میان شام
 و فتن دو از ده رکعت نماز بنا کرده می شود از براسه او قصره
 در بهشت و گویا تصدق کرده است بهر مومنی و لازم است
 بر خدا که بیاورد او را و نیز در کتاب مذکور آورده که در شب شنبه
 دو رکعت نماز بگذارد و بخواند در هر رکعتی الحمد و سبح اسم ربک الاعلی
 و آیه الكرسی و انا انزلناه فی لیلۃ القدر هر که ام یک مرتبه در عالم
 شب شنبه که شیخ طوسی رح در کتاب مصلح متهم آورده
 بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ۝ سُبْحٰنَكَ اللّٰهُمَّ رَبَّنَا وَ
 لَكَ الْحَمْدُ اَنْتَ اَعْلٰی الْقُوْمِ الْاَوَّلِ الْکٰثِرِ وَلَوْ یُکْفَرُ
 شَیْءٌ مِّنْ خَلْقِكَ وَلَمْ یُعَابِنِ شَیْءٌ مِّنْ مُّلْکِکَ اَوْ یَتَدَبَّرُ

دعا فی شب شنبه

فِي شَيْءٍ مِنْ أَمْرِكَ أَوْ يَتَفَكَّرُ فِي شَيْءٍ مِنْ قَضَائِكَ وَكَأَنَّهُ
 بِقِسْطِكَ مُدْبِرٌ لَا مِرْكَ قَدْ جَرَى فِيهَا هَوَاكَ أَيْنَ قَدْرُكَ
 وَمَضَى فِيهَا مَا أَنْتَ خَافِقٌ عِلْمَكَ خَلَقْتَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فَاثْنَا
 وَبِنَافْسَوِيَّتِ السَّمَاءِ مُؤَلَّماً رَضِيكَ لِجَلَالِكَ وَوَقَارِكَ وَغَيْرِكَ
 وَسُلْطَانِكَ ثُمَّ جَعَلْتَ فِيهَا كُرْسِيَّكَ وَعَرْشَكَ ثُمَّ سَمَّيْتَهَا
 لَيْسَ فِيهَا شَيْءٌ غَيْرُكَ مُتَكَبِّراً فِي عَظَمَتِكَ مُتَعَطِّماً
 فِي كِبَرِيَّاتِكَ مُتَوَحِّداً فِي عُلُوكِ مُتَمَكِّناً فِي مَلِكِكَ
 مُتَعَالِياً فِي سُلْطَانِكَ مُتَحَبِّباً فِي عِلْمِكَ مُسْتَوِيّاً عَلَى
 عَرْشِكَ فَتَبَارَكَ وَتَعَالَيْتَ وَعَلَاهُنَاكَ بِهَا أَوْلُوكَ وَ
 نُورُكَ وَعِزَّتُكَ وَسُلْطَانُكَ وَقُدْرَتُكَ وَحَوْلُوكَ
 وَقُوَّتُكَ وَرَحْمَتُكَ وَقُدْرَتُكَ وَأَمْرُكَ وَهَيْبَتُكَ وَتَكْلِيكَ
 الْمَكِينِ وَكِبْرِكَ الْكَبِيرِ عَظَمَتِكَ الْعَظْمَةِ وَأَنْتَ
 اللَّهُ الْمَعِيُّ قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ وَالْقَدِيمُ قَبْلَ كُلِّ قَدِيمٍ وَالْمَلِكُ
 بِالْمَلِكِ الْعَظِيمُ الْمُسْتَدِيرُ الْمُسْتَدِيرُ اسْمُكَ فِي السَّمَوَاتِ
 وَالْأَرْضِ وَخَالِقُهُنَّ وَنُورُهُنَّ وَرَبُّهُنَّ وَالْمُهَيَّبُ وَالْمُؤَيِّدُ
 فَسُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ رَبَّنَا وَجَلَّ شَأْنُكَ أَللَّهُمَّ صَلِّ
 عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَأَجْزِهِ بِكُلِّ

الْعَظِيمَةُ

تَخِيرُ آيَاتِهِ خَلَاءَ وَيُسِرُّ آيَاتَهُ وَضِعْفِ قَوْلِهِ وَيَتِيمِ
أَوَاكٍ وَمِسْكِينِ رَحِمَهُ وَجَاهِلِ عِلْمَهُ وَوَيْلِ بَصْرِهِ
وَحَقِّ بَصْرِهِ الْجَزَاءُ الْآوْفَى وَالرِّفْقُ الْأَخْلَقُ وَالشَّفَاعَةُ
الْجَائِزَةُ وَالْمَنْزِلُ الرَّفِيعُ فِي الْجَنَّةِ عِنْدَكَ أَمِينَ رَبِّ
الْعَالَمِينَ اجْعَلْ لَهُ مَنَزَلًا مَقْبُوظًا وَجَلِيسًا رَفِيعًا وَ
ظِلًّا ظَلِيلًا وَرُتَنًا جَسِيمًا جَمِيلًا وَنَظْرًا لِي وَجْهَكَ
يَوْمَ تَحْجِبُهُ عَنِ الْمَجْرُمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْهُ لَنَا فَرَطًا وَاجْعَلْ حَوْضَهُ لَنَا مَوْجًا
وَلِقَاءَهُ لَنَا مَوْجِدًا ائْتِسْبِئْ بِهِ أَوْلَانَا وَاجْرَتَانَا وَأَنْتَ
عَتَارِضُ رِضْوَانِ دَارِكَ دَارِ السَّلَامِ وَمِنْ جَنَاتِكَ جَنَاتِ
النَّبِيِّينَ أَمِينَ اللَّهُ الْحَقُّ رَبُّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي هُوَ نُورٌ مِنْ نُورِي
أَوْ نُورٌ فَوْقَ كُلِّ نُورٍ وَنُورٌ تَضِيئُ بِهِ كُلُّ ظَلَمَةٍ وَتُكْسِرُ
بِهِ قُوَّةَ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ وَجَبَّارٍ عَنِيدٍ وَجَنِّي عَيْنِي
وَأَيُّومِي مِنْ بِهِ خَوْفٌ كُلِّ خَائِفٍ وَيُبْطِلُ بِهِ سِلْعَ كُلِّ سَائِحِدٍ
وَحَسَدَ كُلِّ حَاسِدٍ وَيَنْفَعُ عَرَفَ عَظَمَتِهِ الْبَرِّ وَالْفَائِدُ
وَإِسْمُكَ الْأَكْبَرُ الَّذِي سَمَّيْتُ بِهِ نَفْسَكَ وَ

اسْتَوَيْتَ بِهِ عَلَى عَرْشِكَ وَاسْتَفَرَّتْ بِهِ عَلَيَّ
 كُرْسِيِّكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَقْرَأَ
 لِي اللَّيْلَةَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ كُلَّ خَيْرٍ قَرَّبْتَهُ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ
 وَأَوْلِيَّائِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ ثُمَّ لَا تُشَدُّهُ عَنِّي أَبَدًا
 حَتَّى أَلْقَاكَ وَأَنْتَ عَنِّي رَاضٍ أَسْأَلُكَ ذَلِكَ
 بِرَحْمَتِكَ وَأَرْغَبُ إِلَيْكَ فِيهِ يُقَدَّرُ لَكَ فَشَفِّعْ
 اللَّيْلَةَ يَا رَبِّ رَغْبَتِي وَأَكْرِمْ طَلِبَتِي وَتَقَبَّلْ كُرْبَتِي
 وَأَرْحَمْ عَذْرَتِي وَصَلِّ وَخُذْ لِي وَالنَّاسِ وَخَشِيَّتِي وَأَسْأَلُ
 عَوْرَتِي وَأَمِنْ رَوْعَتِي وَأَجْبُرْ فَاقَتِي وَلَقِّنِي حُجَّتِي
 وَأَقْلِبْ عَثْرَتِي وَاسْتَجِبْ اللَّيْلَةَ دُعَائِي وَأَعْطِنِي
 مَسْأَلَتِي وَأَعْظِمْ عَنِّي مَسْأَلَتِي وَكُنْ بِدُعَائِي حَفِيظًا
 وَكُنْ لِي رَجِيمًا وَلَا تَقْطَعْنِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَلَا تُؤَيِّبْنِي
 مِنْ رَوْحِكَ وَلَا تَخْذُلْنِي وَأَنَا أَدْعُوكَ وَلَا تُخْرِجْنِي
 وَأَنَا أَسْأَلُكَ وَلَا تُعَذِّبْنِي وَأَنَا أَسْتَغْفِرُكَ يَا أَرْحَمَ
 الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَوْلَادِهِ
 أَجْمَعِينَ نَمَازُ حَاجَتِ رَسْبِ شَهْرِ ابْنِ بَابُوَيْدٍ
 سَيِّدِ بَنِي طَاوُسٍ وَوَكِيلِ ابْنِ سَيْدِهَا سَعْدِ مَعْتَبَرِ رَسْبِ وَرَبِّ ابْنِ بَارُوَكِ

ملعون روایت کرده اند گفت در ایامیکہ حضرت امام موسی کاظم در حبس
 ہارون لعین بود شبی ہارون مرا طلبید و گفت برو نزد امام موسی کاظم
 و مال بسیار و اسپان و جامہ ہائے فاخر برائے او پہرو اور از زندان
 رہا کن من تعجب کردم و مکررا زو پرسیدم کہ مرا امری کنی کہ موسی را از
 حبس رہا کنم گفت بلے و اسے بر تو عمد خود را بشکنم گفتم یا امیر
 عہدیت گفت امشب در خواب بودم کہ مرد سیاہی در نہایت
 عظمت بر روی سینه من نشستہ و گفت بچہ سبب موسی بن جعفر ہر
 روزندان حبس کردہ گفتم امشب اورا رہا میکنم و باوا احسان میکنم
 پس عہد و پیمان شدید از من گرفت و از سینه من برخاست فرود
 بود کہ جانم بر آید ریح گفت پس رفتم بسوی زندان و دیدم کہ آنحضرت
 مشغول نماز است نشستم تا فارغ شد و گفتم بیعت خلیفہ ترا سلام
 میرساند و مال و اوان و اسپان و بار برداران و خلع فاخرہ برائے
 تو فرستادہ است حضرت فرمود کہ اگر حکم دیگر کردہ است در باب من عمل آور
 گفتم بحق خدا و بحق جدت رسول خدا کہ مرا امر کردہ است مگر با نچہ عرض
 کردم حضرت فرمود کہ مرا مال و اسپان و جامہ ہائے او کہ حقوق مردم
 در میان آہناست احتیاجی نیست گفتم قسم میدہم ترا کہ قبول کنی کہ
 می ترسم نہ رو کردن تو آن ملعون بخشم آید حضرت فرمود کہ تو با نچہ خواہی

بکن و بهر صرف که خواهی صرف کن چون خواست که بسوی مدینه مراجعت
 نماید گفتیم ترا سوگند میدهم بحق خدا و بحق جدت رسول خدا که مرا خبری
 که سبب نجات تو از زندان چه شد بسبب آنکه من برائے تو ثبات
 آوردم حضرت فرمود که در شب چهارشنبه بعد از نماز شب بخواب فرمیدم
 رسول خدا ص را در خواب دیدم که گفت اے موسیٰ ترا نپلم و ستم
 جس کرده اند گفتیم آری یا حضرت فرمود که ملک و دولت ایشان
 امتحانی است بر اے ایشان و متشی می یا بند تا زمانے که حق تعالی
 حکم نماید با فقر اض ایشان فردا او پنجشنبه و جمعه را روزه بدار و در
 شب شنبه بعد از نماز خفتن دو اذنه رکعت نماز بکن و در هر رکعت بعد
 از سوره فاتحه دو اذنه مرتبه سوره توحید بخوان و چون از دو اذنه
 رکعت فارغ شوی بعد از سلام این دعا بخوان و بروایت شیخ
 طوسی بعد از رکعت چهارم بسجده رو این دعا بخوان و اگر در
 هر دو موضع بخواند خوب است و دعا اینست **اللَّهُمَّ يَا سَادَ
 الْقَوْتِ وَيَا سَامِعَ الصَّوْتِ وَيَا هَيِّبَ الْعِظَامِ وَبَعْدَ
 الْمَوْتِ وَهِيَ رَمِيمٌ أَسْأَلُكَ يَا سَمِكَ الْأَعْظَمِ
 أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَعَلَى
 أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَتُعَجِّلَ الْفَرَجَ مِنِّي**